

ابقا مدیریتی و مدیریت سود

عزیز گرد، حسین فیاضی

چکیده

نظریه پردازان عامل مدت هاست ادعا کرده اند که ابقا مدیریتی، عامل تعیین کننده ای برای ذینفعان و سهامداران می باشد، زیرا مدیران را از قوانین حاکمیت شرکتی مصون نگه می دارند. با این حال، به عنوان فرضیه ای رقابتی، استدلال می کنیم که ابقا مدیریتی می تواند مزایایی را برای مالکین شرکت به همراه داشته باشد: باعث می شود که دید مدیران در زمینه مدیریت سود برای نیل به اهداف ارائه گزارش های مالی کوتاه مدت، گسترش یابد. یافته های ما با این پیش بینی سازگار هستند، زیرا آنها پیشنهاد می کنند که هنگامی که انگیزه مدیریت عملکرد شرکت وجود داشته باشد، مدیران ابقا شده، کمتر درگیر فعالیت های مدیریت سود زیاد بار برای سهامداران می گردند. به طور خاص، ما روی شرکت هایی تمرکز می کیم که معیارهای سود را برآورده ساخته و یا به حاشیه ای تضعیف می کنند، و سپس رابطه ای منفی بین ابقا مدیریتی و استفاده فرصت طلبانه از اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت های واقعی را مستندسازی می کنیم. ما همچنین نشان می دهیم که اگر مدیر، ابقا و تایید گردد، مدیریت سود کمتر برای ارزش شرکت، تعیین کننده خواهد بود. نهایتاً، درمی یابیم که این تأثیرات ابقا مدیریت سود تنها برای شرکت های واقع در دلاور وجود دارد.

واژگان کلیدی: ابقا مدیریتی؛ مدیریت سود

جدول ۴، نتایج از معادله (۱) را گزارش می‌کند که فرضیات ۱ و ۲ را تست می‌کند. پانل A، نتایج برای شرکت‌های دلاور را گزارش می‌کند، در حالی که پانل B، ضرایب مورد نظر برای شرکت‌های غیر-دلاور را گزارش می‌کند. از میان ۷۳۴۹ مشاهده‌ی قابل دسترس سال-شرکت، ۴۵۲۵ مشاهده متناظر با شرکت‌های واقع در دلاور هستند و ۲۸۲۴ مشاهده مربوط به شرکت‌های واقع در جاهای دیگر هستند. پانل A، نتایج حاصل از تخمین در معادله (۱) را برای هر پروکسی مدیریت سود (RAM) ارائه می‌دهد و تنها شامل شرکت‌های دلاور است. متغیر Bench دارای همبستگی مثبت و قابل توجهی با همه‌ی سه پروکسی مدیریت سود است، که این سازگار با تضعیف کننده‌های معیار حاشیه‌ای است که از مدیریت سود (از طریق اقلام تعهدی یا فعالیت‌های واقعی) برای تحقق معیار سود استفاده می‌کند. ضریب اصلی مورد نظر، یعنی، جمله‌ی تعاملی Bench \times Entrenchment= همبستگی منفی و قابل توجهی با همه‌ی سه پروکسی مدیریت سود (ضریب = -0.185 ، p -مقدار = 0.052)؛ ACC1 \times Entrenchment= همبستگی منفی و قابل توجهی با همه‌ی سه پروکسی مدیریت سود (ضریب = -0.1587 ، p -مقدار = 0.058)؛ ACC2 \times Entrenchment= همبستگی منفی و قابل توجهی با همه‌ی سه پروکسی مدیریت سود (ضریب = -0.1587 ، p -مقدار = 0.058) است، که این سازگار با فرضیه‌ی ۱ است که مدیران ابقاء شده، به میزان کمتری به شیوه‌های مدیریت سود برای تحقق یا تضعیف معیارهای سود متول می‌شوند. در پانل B، از نمونه‌ی شرکت‌های غیر-دلاور استفاده می‌کنیم. در این مورد نمی‌توانیم تاثیر قابل توجهی از ابقاء را روی شیوه‌های مدیریت سود بیابیم. این همچنین سازگار با انتظارات ما و استدلال‌های کاسپرسزیک (۲۰۰۹) و وانگ و همکاران (۲۰۱۶) است که در نبود دفاع از نفوذ، مدیران شرکت‌های دلاور در معرض فشارهای آشکارتری از سوی بازار برای کنترل شرکت قرار دارند.

جدول ۴. ارتباط بین ابقاء مدیرعامل و مدیریت سود

استفاده از تصدی طبقه‌بندی می‌شوند (۷۵/۰۳ درصد نمونه‌ی کامل). بنابراین، تنها پروکسی که به خودی خود، تغییر مقطعی بزرگی را فراهم می‌کند E-شاخص است.

خلاصه و نتیجه‌گیری‌ها

اگرچه برخی از تحقیقات حاکمیت شرکتی استدلال می‌کنند که ابقاء مدیریت، تعارض منافع بین مدیرعاملان و سهامداران را تقویت می‌کند، جریانی از تحقیقات نشان می‌دهد که ابقاء مدیریت به تنظیم منافع مدیریتی و سهامداران کمک می‌کند، و کوتاهبینی مدیریتی را کاهش می‌دهد. با پیروی از این جریان تحقیقات، استدلال می‌کنیم که مدیران بیشتر ابقاء شده و کمتر ابقاء شده، دارای رفتار مدیریت سود متفاوتی هستند.

برای بررسی این ایده‌ها، مکانیسم‌های بازدارنده‌ی نفوذ در ایالات متحده را مطالعه می‌کنیم. تمرکز تحقیق ما به ویژه روی محیطی تجربی - شرکت‌های واقع در دلار - است که زمینه‌ی منحصر به فردی را برای مطالعه‌ی اثرات ابقاء مدیریت روی تصمیمات شرکت، از جمله تصمیمات درباره‌ی مدیریت سود فراهم می‌کند، زیرا قوانین شرکتی دلار برای مدیران امکان افزایش محافظت خود در برابر نفوذ‌های خصم‌مانه را فراهم کردند و بنابراین برداشت آن‌ها از اجاره‌های سهامدار را تسهیل کردند.

در این محیط، نشان می‌دهیم که هنگامی که انگیزه‌هایی برای دستکاری سود وجود دارند، مانند براورده ساختن یا تضعیف حاشیه‌ای معیارهای سود، مدیرعاملان بیشتر ابقاء شده با احتمال کمتری در استفاده‌ی فرصت طلبانه از اقلام تعهدی و در دستکاری فالیت‌های واقعی برای دستیابی به اهداف گزارش مالی درگیر می‌شوند. همچنین نشان می‌دهیم که استفاده‌ی فرصت طلبانه از اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های براورده کننده/ضعیف کننده‌ی معیارهای سود، در صورتی که مدیران بیشتر ابقاء شوند، دارای زیان کمتری برای ارزش شرکت هستند. این نتیجه، از این استدلال پشتیبانی می‌کند که مدیرعاملان بیشتر ابقاء شده، که تحت فشار کمتر از سوی بازارهای سرمایه و سایر ذینفعان قرار دارند، با احتمال بیشتری سود گزارش شده را به نحوی آموزنده‌تر و با زیان کمتر برای سهامداران، مدیریت می‌کنند.

با بررسی زمینه‌های مخالف سازمانی، یافته‌های ما همچنین دارای مفاهیم خطمنشی عمومی واضحی هستند. به ویژه شرکت‌های واقع در دلار را با شرکت‌های واقع در جاهای دیگر مقایسه می‌کنیم و در می‌یابیم که اثرات ابقاء در کاهش مدیریت سود و در افزایش ارزش شرکت تنها در دلار برقرار هستند. این نتایج نشان می‌دهند که قوانین شرکتی که برای مدیران امکان فاصله گرفتن از تهدیدهای نفوذی خارجی را از طریق پیاده‌سازی معیارهای مختلف ابقاء فراهم می‌کنند ممکن است دارای اثرات مطلوبی روی ثروت سهامدار باشند. نتایج ما به طور کلی نشان می‌دهند که ابقاء همیشه برای منافع سهامداران زیان‌آور نیست، و منجر به کاهش کوتاهبینی در رفتار مدیریت سود واقعی و مبتنی بر اقلام تعهدی برای براورده ساختن یا تضعیف اهداف سود می‌شود.

